

لغزش و چرخش بافتهای موقعیتی در سبک شعر شاملو

بهاره فضلی درزی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره هفتم، مهر ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۱۳، صص ۱۶۱-۱۴۵

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7927>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: بافت از اصطلاحات تحلیل گفتمان است؛ در دو حالت زبانی و وضعی دسته‌بندی میشود. بافت وضعی یا موقعیتی خصوصیتی فرازبانی دارد. در این مقاله لغزش، تغییر، تبدیل و تبدل بافتهای وضعی در شعر شاملو با هدف تحلیل سبکهای تداخلی آن بررسی شده است. **روشها:** روش پژوهش از نوع اسنادی است. در این مقاله چهار شعر شاملو به لحاظ بافت موقعیتی، بر اساس الگوی زبانشناسی نقشگرا مورد بررسی قرار گرفته، همچنین به اشعار دیگر شاملو نیز جهت تکمیل بحث استناد شده است. انتخاب اشعار با معیار شهرت به تکساخته بودن بویژه در بافت سیاسی بوده است.

یافته‌ها: اگرچه شعر شاملو به بافت و زمینه سیاسی آن معروف است، اما پژوهش حاضر نشان میدهد که شاملو بیشترین لغزش و چرخش را در همین بافت با سمت و سوی عاشقانه و گاه فلسفی داشته است. همچنین سبک و شیوه اجرای این تغییرات مبتنی بر فاصله‌گذاری متنی و غیرمتنی بافتهای موقعیتی دیگر از طریق تعدد دالهای مرکزی، ایجاد زمینه‌های روایی و غیرروایی، پاساژهای متنی، گفتگومحوری، التفات و تغییر لحن و خطاب است که بصورت توصیفی، تحلیل-تفسیری و اقناعی بروز پیدا کرده است. بنا به داده‌های حاصل این پژوهش این تداخل و تبدیلهای از همان آغاز شاعری در اشعارش قابل دریافت بوده و بنوعی میتوان سبک شخصی وی قلمداد کرد.

نتیجه‌گیری: نتیجه این پژوهش اثبات میکند تداخل بافتها باعث ایجاد تفکر چندوجهی، تعمیم-پذیری متن و مشارکت خواننده در ساخت معنا و سفیدخوانی شده و در بعضی موارد سوژه فلسفی کمرنگی به شعرهای سیاسی محض وی داده است.

تاریخ دریافت: ۲۵ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ داوری: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

تاریخ اصلاح: ۱۱ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۴ تیر ۱۴۰۴

کلمات کلیدی:

شاملو، تداخل بافتی، بافت وضعی، تحلیل گفتمان، شعر معاصر

* نویسنده مسئول:

Fazli@cfu.ac.ir

(+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Transformation of Situational Contexts in Ahmad Shamlou's Poetic Style

Bahare Fazli Darzi

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 14 April 2025

Reviewed: 16 May 2025

Revised: 01 June 2025

Accepted: 15 July 2025

KEYWORDS

Shamloo, textual interference, situational context, discourse analysis, contemporary poetry

*Corresponding Author

✉ Fazli@cfu.ac.ir

☎ (+98)

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: This study explores the shifts and transformations in situational contexts within the poetry of Ahmad Shamlou, aiming to examine the stylistic interferences in his work.

METHODOLOGY: In discourse analysis, context is divided into linguistic and situational categories, with the latter encompassing extralinguistic elements. Employing a documentary method and drawing upon systemic functional linguistics, the research analyzes four of Shamlou's poems, selected for their apparent political unidimensionality, with references to other poems to support the analysis.

FINDINGS: Although Shamlou is best known for his politically charged poetry, this study shows that his most significant contextual shifts occur within that very political framework—often moving toward romantic or philosophical themes. These shifts are achieved through techniques such as the multiplication of central signifiers, narrative layering, textual passages, dialogic structures, shifts in tone and address, and both textual and extra-textual distancing strategies. These stylistic features are expressed through descriptive, interpretive, and persuasive modes of discourse. The findings indicate that such contextual blending has been present from the early stages of Shamlou's poetic career and may be considered a defining aspect of his personal style. The interweaving of contexts contributes to a multi-perspective approach, enhancing textual

CONCLUSION: openness, philosophical depth, and reader participation in meaning construction. Ultimately, this stylistic complexity challenges the notion of Shamlou's poetry being politically monolithic and reveals its layered semantic structure. Keywords: Ahmad Shamlou, Situational Context, Contextual Interference, Discourse Analysis, Contemporary Persian Poetry

<http://dx.doi.org/10.22034/bahareadab.2025.18.7927>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 22	 1	 0

مقدمه و ضرورت بحث

در زبان‌شناسی، از متن چه نوشتاری و چه گفتاری به عنوان بافت^۱ یاد میشود. واژه‌نامه انگلیسی آکسفورد بافت را مشتق از بافته شده و شبکه میداند. اما بافتار به روشی اشاره میشود که متن به وسیله آن بهم بافته و تشکیل متن را میدهد. در متنهای کلامی با کمک ابزارهای انسجامی مانند ارجاع، عطف، حذف، انسجام واژگانی و نیز از طریق پیوستگی در گزینشهای زبانی تشکیل دهنده متن، به وجود میآید. (نورگارد، ۱۳۹۱، ۱۵۰). با یک نگاه کلی کانتکس یا بافت را میتوان فحوای کلام نامید و عوامل زمینه‌ساز آن غیر از زبان، شامل عوامل فرازبانی نیز هستند. از اینرو بافت را به دو دسته وضعی و زبانی تقسیم میکنند. (داد، ۱۳۹۲، ۷۱) بافت متن با توجه به موقعیت و شرایط جمله، گوینده و مخاطب، پیچیده و غیرمستقیم خواهد شد. اهمیت بافت در تبیین معنا تا بدانجاست که وردانک در تعریف متن میگوید: «متن عبارتست از هر تکه از زبان که گفتمانی معنادار ثبت کرده و در بافتدیری مناسب به کار رفته است» (وردانک، ۱۳۹۷، ۴۵).

مسئله بافت ما را به مسأله دیگری به نام تحلیل گفتمان هم میکشاند. جایی که متن علاوه بر عناصر زبانی، ما را به جامعه و مسائل اجتماعی ارتباط میدهد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵، ۴۰-۴۱). در متون ادبی چندوجهی مانند رمان به دلیل تعدد بافت، هر متن به نوشته‌های نا-متن تبدیل میشود؛ زیرا «بافتار تنها به انسجام و پیوستگی کلامی محدود نمیشود بلکه حلقه‌های انسجامی میان وجهی بین متن کلامی و ایماژهای بصری و نیز پیوستگی در بافت گزینهای چندوجهی تشکیل دهنده رمان در ایجاد آن نقش اساسی دارند» (نورگارد، همان، ۱۵۱). منظور از انسجام تنها ارتباط اجزای تشکیل دهنده متن، جمله و واژگان نیست؛ بلکه رابطه و زمینه این ارتباط نیز مد نظر است. هر چه گزینشهای فرهنگی و موقعیتی در متن تک بعدیتر باشد متن یک دستتر و شفافتر و در نتیجه به نظر میرسد از انسجام بیشتری برخوردار است. به نظر هلیدی و حسن هر چه پیوستگی در یک متن بیشتر باشد، سهولت دریافت اثر روانتر و آسان‌یابتر خواهد بود. پیوستگی نقش برجسته‌ای در خلق دیدگاه روایی و جهان تخیلی رمان بازی میکند.

هلیدی با کمک دستور زبان، راه را برای تحلیل گفتمان انتقادی باز کرده. به این صورت که هر متن بدلیل گرایش به زمینه متن یعنی موقعیتی، نوعی، ایدئولوژیک، بینافردی و اندیشگانی با طیف وسیعی از ابزارهای دستوری و چارچوبهای نظری خود را برای تحلیل مجهز میکند. به عنوان مثال طنزنویسی که انتقادهایش با مبانی اصلی زندگی اجتماعی سرسازگاری دارد در بیان به سوی مطایبه رندانه گرایش دارد، اما طنزنویسهای رادیکال که با موازین اخلاق و سیاسی و اقتصادی مخالفند به سمت و سوی هجو کشیده میشوند (احمدی، ۱۴۰۰، ۱۵۸).

مسئله بافت به نشانه‌شناسی کاربردی هم میرسد. در نشانه‌شناسی علاوه بر معنای تحت‌اللفظی که صریحند و در فرهنگ واژگان یافت میشود میتوان به معنای ضمنی هم اشاره کرد. معنای ضمنی برخاسته از مجموعه تداعیهای اجتماعی، فرهنگی و شخصی (ایدئولوژیک، عاطفی و...) است که عواملی هم چون طبقه، جنسیت، تعلق قومی و نژادی مخاطب و مشابه آن در شکل‌گیری آن دخالت دارند (سجودی، ۱۳۹۳، ۷۲). در کاربردشناسی معنای متن در گفتمان مورد بررسی قرار میگیرد بدین معنی که زبان در بافتی خاص و برای دستیابی به هدفی خاص بکار میرود (وردانک، همان، ص ۴۵) این معنا با توجه به مخاطب و زمانهای که متن خوانده میشود، میتواند صریح یا غیرصریح باشد. هر چند به نظر چندلر گاهی خود معنای صریح باعث میشود خواننده تصور کند معنی صریحی با وی در میان گذاشته شده است، در حالی که معنای صریح در حقیقت معنای ضمنی دیگری است، بنابراین فرایند

^۱. texture

طبیعی جلوه دادن در معنای ضمنی تاثیر خواهد گذاشت. در حقیقت این فرایند این تصور را به وجود می‌آورد که رسیدن به معنای صریح، ناب و جهانی و در عین حال غیر ایدئولوژیک است، پس معنای ضمنی هم به همان اندازه طبیعی است (چندلر، ۲۰۰۷، ۱۳۸-۱۳۹).

ون دایک در تحلیل گفتمان به سه رکن اساسی آن اشاره میکند که شامل کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی است (فاندایک، ۱۳۸۲، ۱۷). اهمیتی که تحلیلگران به طرز پوشش، حرکات بدن، ژست، و... میدهند بر این حقیقت صحنه میگذارد که بافت به عنوان عنصری فرامتنی باید در تحلیل گنجانده شد. (سجودی، همان، ۱۶۸). گویای این واقعیت است که رفتار ارتباطی انسان محدود به زبان نیست.

اما ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که تغییر و چرخش بافت موقعیتی در اشعار کهن فارسی رواج داشته است. اگر از قصاید فارسی و تغییر در فضای تغزل و مدح و سپس ورود به شریطه چشمپوشی کنیم که خود چندین بار دستخوش تغییر بافتی می‌شود، در غزل‌های فارسی در سبک خراسانی و عراقی با اینکه هنوز در محور عمودی انسجام بیشتری دیده میشود، شاهد تغییر بافت هستیم؛ مانند غزل‌های حافظ که گاهی با چرخشی در تخلص یا مقطع وارد فضای سیاسی و یا مدحی میشود.

اگر تغییر بافت در شعر شاملو برگرفته از سنت ادبی نباشد، میتوان آن را نوعی سبک در پرداخت درونمایه دانست. زرقانی با تاکید بر این تغییرات بافتی اشاره میکند که شاملو در دههٔ چهل بخاطر آشنایی با آیدا به اشعار عاشقانه روی می‌آورد اما بدلیل دلیستگی ویژه‌ای که به شعر سیاسی- اجتماعی داشته، میان این بافتها سرگردان است؛ یعنی در یک شعر، در هر دو بافت همزمان میسرود. (زرقانی، ۱۳۹۱، ۳۲۲) که این ادعا در این مقاله رد شده است. این تحقیق نشان می‌دهد چنین تغییری در طول زندگی شاعر نیز کمابیش وجود داشته و تنها در بافت عاشقانه نیست که شاعر دست به تغییر میزند بلکه در بافت‌های دیگر مانند سیاسی و یا کودکانه نیز چنین رویه‌ای را در پیش میگیرد. در این مقاله نشان داده شده شاملو با کمک چه شگردهایی و چگونه دست به این تداخل و تغییرات میزند و تمایل شاعر به تغییر در کدام زمینه‌هاست.

پیشینه تحقیق

مرتضایی و سعادت شجاع (۱۴۰۲) در مقالهٔ تحلیل متن- بافت بر شعر ۲۳ شامل تمرکز کرده‌اند و با روش فرکلاف کارکرد ایدئولوژیک آن را شرح دادند. در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان میدهند چگونه این شعر با محتوای سیاسی پررنگ و یک بعدی است. (مرتضایی، ۱۴۰۲) دستاورد این مقاله از سویی کاملاً در تعارض با پژوهش حاضر است و نشاندهندهٔ اتکا بر تک‌بعدی بودن و واقعگرایی صرف شاعر دارد از سویی این تعارض نشان میدهد که تمام اشعار شاملو خاصیت تداخل بافتی ندارد و شاعر عامدانه گاه به این شیوه متوسل میشود. مدرسی و طیبه (۱۴۰۱) در مقالهٔ تحلیل شعر کیفر بر اساس نظریهٔ مره ایدئولوژیک ون دایک با کمک تحلیل گفتمان به بررسی تمهیدات بلاغی، نحوی و... به واکاوی این شعر شاملو پرداخته‌اند.

میرزا محمدنیا و دیگران (۱۳۹۸) در مقالهٔ سبک‌شناسی انتقادی شعر شاملو، به سه لایهٔ بلاغی، کاربردشناسی و واژگانی پرداخته‌اند؛ نقد سبک‌شناسی انتقادی با تکیه بر بافت صورت میگیرد و از این لحاظ این مقاله با مقالهٔ حاضر همانندی‌هایی دارد، اما در نکتهٔ اصلی مقاله که تداخل بافت‌هاست نویسندگان اشاره‌ای نکرده‌اند. در بخش تکثر معنا آمده است؛ معشوق شاملو گاه زمینی و گاه فرازمینی است و مدام در حال نوسان است؛ گاه چنان زمینی و گاه فرانسائی توصیف میشود. (میرزا محمدنیا، ۱۳۹۸) منظور در یک شعر یا یک شعر خاص نیست. همین بحث

دربارهٔ عشق شخصی و عشق عام و اجتماعی مطرح میشود. و این نتیجه دریافت شده که راوی/ شاعر قادر به مرزگذاری قطعی میان این دو مفهوم نیست. در حالی که دستاورد این مقاله ثابت میکند شاملو عامدانه وارد این تداخلها میشود.

صفایی و جوبنی در تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر شاملو با بررسی شعر حرف آخر نشان داده‌اند شاعر با بکارگیری عوامل تبیینی قصد اقناع مخاطب خود را دارد و این شیوه برای رد یک گفتمان و تثبیت گفتمان دیگر است (صفایی و جوبنی، ۱۳۹۳). همین مطلب به نحوی دیگر از سوی براهنی نیز تایید شده است (براهنی، ۱۳۵۸: ۳۶۴). این نکته نیز حائز اهمیت است که این شعر، به نوعی تقابل میان شعر نو و سنتی، تکصدا و مونولوگ است. (صفایی و جوبنی، همان)

زمانی و دیگران در مقالهٔ تاثیر تفکر انتقادی و بافت موقعیتی در ادراک گفتمان یا نقش تعدیل‌کنندگی خصوصیات شخصیت اذعان کرده‌اند بافت بر تفکر استقرائی افراد تاثیر زیادی دارد و عناصری را در اختیار فرد میگذارد که احساس رضامندی در تفسیر را برایش ایجاد میکند و گاهی باعث گمراه شدن شناخت هم میشود و فرایندهای دیگر ذهنی را بر روی فرد میبندد (زمانی و دیگران، ۱۳۹۴).

از دیگر پژوهشهای مرتبط میتوان به تحلیل بافت متنی و بافت موقعیتی سطح دلالتی خطبهٔ قاصعه از مشایخی و زارع اشاره کرد. همچنین باتوجه به زبانشناسی نقشگرا میتوان به فقری و دیگران (۱۴۰۳) در مقالهٔ بررسی و مقایسهٔ انواع زمان و وجه در گلستان سعدی و روضهٔ خلد مجد خوافی با رویکرد سبک‌شناسی نقشگرا و انتقادی به جنبه‌های تقلیدی بودن روضهٔ خلد اشاره کرده‌اند (فقری، ۱۴۰۳، ۱۷۴) و نیز عزیزپور (۱۴۰۳) تحلیل سبک-شناختی رمان سووشون با رویکرد فرا نقش اندیشگانی نظریهٔ نقشگرای هلیدی اشاره کرد.

روش تحقیق

در این تحقیق چهار شعر شاملو مورد مطالعه قرار گرفته و روش کار اسنادی و کتابخانه‌ای است. بدین معنی که نخست بافت از منظر زبانشناسی نقشگرا بیان شده و سپس تداخل بافتها استخراج و دسته‌بندی و نتیجه آن با رویکرد تحلیل-توصیفی ارائه شده است.

چارچوب نظری

بافت^۱ مجموع رخدادهای زبانی است که منجر به درک معنا میشود. در زبانشناسی نقشگرا جایگاه ویژه‌ای برای بافت قائل هستند. از نظر این نوع زبانشناسی متن، بالقوه حاوی معنا نیست بلکه عوامل زمینه‌ساز دیگری در درک و دریافت یا بسط معنا اثرگذار است که از نظر مایکل ریفاتر که دیدگاههای ساختگرایانه دارد معنای حاصل از بافت در ذهن خواننده و فرهنگ او شکلی میبندد و از نظر هلیدی یکی از عوامل زمینه‌ساز معنا فرهنگ است. در این تعبیر، موقعیت، یکی از ارکان ایجاد معنا در بافت است. دسته‌بندی بافتهای زبانی و غیرزبانی یا خرد و کلان، در نهایت منجر به فرانقش^۲ در نظریهٔ هلیدی شد که تاثیر اجتماع و ضرورت محیط پیرامون در انتقال معنا را نشان میدهد. او به سه نوع فرانقش اشاره میکند:

۱. فرانقش اندیشگانی

1. Texture

2. Metafunction

۲. فرانقش بینافردی

۳. فرانقش متنی (هلیدی، ۱۹۸۵) که فرانقش متنی ارتباط‌دهنده دو نقش دیگر است (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۸). وردانک عوامل بیرون متنی موثر بر تفسیر گفتمان را به هفت صورت دسته‌بندی میکند: ۱. ژانر و نوع ۲. موضوع، هدف، کارکرد متن ۳. زمانه و زمینه فیزیکی و آنی متن ۴. زمینه گسترده‌تر اجتماعی، فرهنگی و تاریخی متن ۵. هویت، دانش، احساسات و باورهای نویسنده/ خواننده ۶. مناسبت‌های نویسنده و خواننده ۷. تداعی متن با متنهای همسان و مربوط دیگر. (وردانک، همان ۴۶) در عواملی که وردانک نام میبرد خود متن در برخی موارد بعنوان عامل فرامتنی دیده میشود. به این ترتیب هر متنی برای به دست آوردن گفتمان از رهگذر بافتها نیازمند دو رویه است؛ عناصر درون و بیرون متنی؛ که به نوعی دربردارنده فضای محیطی و روانی حاکم بر گوینده و شنونده است. یعنی بافت همه‌چیز است؛ از جهانهای ممکن، موازی، آینده و خرافات... دخیل بر بافت و بتبع آن دخیل بر معناست. مشارکت خواننده در معنادهی به متن را فالور به آزادسازی معنا از متن از سوی خواننده تعبیر میکند و آن را فردی نمیداند؛ اما غیرفردی هم نمیبیند و آن را نوعی فراگرد میداند «فراگرد بین‌سوژه‌ای است- کنشی ارتباطی که بر ارزشهای مشترک سوژه‌های شرکت‌کننده (در اینجا شامل قراردادهای فرهنگی، صورتهای زبانی و فعالیت خواننده) اساس یافته است» (فالور، ۱۳۹۶، ۱۳۳). با توجه به اینکه در بافت، خواننده نیز مشارکت دارد باید گفت بافت‌سازی فرایندی چندلایه، در حال تغییر مداوم و پیچیده است و بناچار مفهوم قدرت و سلطه قدرت در بافت‌سازی نیز بروز پیدا میکند بدین معنی که آن گفتمانی که سلطه بیشتری دارد بر بافت تاثیرگذارتر خواهد بود. هلیدی سه عنصر زمینه، عاملان و وجه گفتمان را بر بافت موقعیتی موثر میداند و بافت موقعیت را صورت بالفعل بافت فرهنگی میداند. (هلیدی، همان)

داده‌های پژوهش

منظور از چرخش و تداخل بافتهای موقعیتی با همزمانی و باهمآیی بافتها یا تجلی و نمود متغیر یک مفهوم بصورت تمثیل یا نماد در متن متفاوت است. منظور از چرخش، تغییر محتوا و مضمون صرف نیست، اگرچه در مضمون و درونمایه بیش از عناصر دیگر بروز مییابد. برای رسیدن به چرخش و لغزش، تداوم و درنگ در بافت دیگر نیز ضروری است. بدین معنی که در هر بافتی یک دال مرکزی وجود دارد که آن دال، درونمایه مرکزی اثر را شکل میبندد و بنا به مخاطب، موقعیت زمانی و عناصر فرامتنی دیگر میتوان معنای آن را بسط داد. تعدد دالهای مرکزی در یک شعر، سبب تعدد بافت میشود. اما فقط تعدد دال نیست که اهمیت مییابد بلکه آن دال باید بتواند با کمک مدلولهایی در ساختمان اثر برای خواننده قابل درک باشد. از اینرو شاعر ناچار است در دال مرکزی جدید، با کمک مدلولهای جدید، بافت جدیدی خلق کند؛ طوری که انسجام اثر از میان نرود و درعین حال که از پراکندگی محتوایی پرهیز میشود، قابل استناد و دریافت از سوی خواننده نیز باشد. این مساله به تداوم، بسامد یا زمان ماندگاری دال دیگر در متن وابسته است.

دال جدید، مخاطب را در حال و هوای جدیدی قرار میدهد و نوعی فاصله‌گذاری با دال قبلی در ذهن او ایجاد میکند، حتی اگر در صدد ربط میان دو دال باشد. مساله مهم است که اگر چنانچه شاعر تلاش کند میان این دالهای جدید با کمک تحلیل و تفسیر تناسب ایجاد کند دیگر تداخل بافتی نخواهد بود بلکه تعدد نگاه و زاویه دید شاعر به یک یا چند مساله خواهد بود.

اغلب اشعار شاملو در بستر انتقاد سیاسی- اجتماعی بازتاب دارد. انتظار خواننده به عنوان مشارک در ساخت معنا

آن است که محتوای متن در همین سطح بماند و اما با واکاوی اشعار سیاسی و حتی انواع دیگر شعر شاملو این مساله تایید میشود که نوعی گریز یا تداخل از دال مرکزی در اشعارش دیده می‌شود که شاید بتوان یکی از کارکردهای آنرا گریز از سانسور دانست. سه مساله در این جابجاییها اهمیت دارد:

الف) ایجاد چرخش، تداخل، تبدل در طول و عرض اثر؛ (به لحاظ دال مرکزی، دیرش، تداوم)

ب) چگونگی اجرا، سبک و شگرد این چرخش؛ (متنی، فرامتنی)

ج) بسامد و فراوانی بافتهای متداخل.

توضیح اینکه برخی از این تداخلها در یک یا چند بند اتفاق می‌افتد؛ دوم؛ شاعر برای رسیدن به این تداخل از چه شگردهایی متنی و غیر متنی سود جسته است، و در نهایت فراوانی استفاده از کدام بافتها در طول اثر بیشتر بوده و چرا؟ بعنوان مثال تغییر بافت در شعر شاملو از عاشقانه به سیاسی یا برعکس نمود بیشتری دارد.

تداخل بافتهای موقعیتی

کشف بافت درون متن، مستلزم کشف رابطه میان خواننده و شاعر/ راوی درون متن است. طوریکه موضوع، روابط درون متنی و نحوه بیان هم همسو یا غیرهمسو باشند. سبک شاملو آن است که برای ارتباط با مخاطب سعی میکند با فضا سازی، بیان روایی یا غیرروایی خواننده را به موقعیت جدید بکشاند اما در همان موقعیت هم نمیماند و از همانجا به موقعیت جدیدتر دیگری با موضوع دیگری وارد میشود و این مساله ممکن است چندبار رخ دهد. برای روشنتر شدن بحث چهار شعر از شاملو بر اساس روابط و نقش بافتهای موقعیتی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده شده که بارزترین ویژگی سه شعر آن است که دارای دست کم دو بخش قابل تفکیک و دو بافت متمایز از هم است.

جدول ۱: مقایسه بافتهای موقعیتی در شعر کیفر، زخم آبائی، عشق عمومی

عنوان شعر	از زخم قلب آبائی	کیفر	عشق عمومی	مرگ نازلی
زمینه / موضوع اصلی دال مرکزی	سیاسی (در سوگ معلمی که به دست عوامل شاه کشته شد)	سیاسی بخش اول زندان واقعی قصر. بخش دوم زندان ذهنی شاعر	عشق	سیاسی درباره شخصی است که بوسیله حکومت شهید شده است.
دالهای دیگر	عشق واقعی عشق تنانه	عشق فلسفه زندگی ۱. انواع جرم ۲. فرهنگ ۳. عقوبت (کیفر) ۴. زندگی برای نان ۵. زندگی متعالی	فلسفه زندگی راز زیستن / دردهای مشترک برای تفاهم / ریشه و هویت / همصدایی و همنوایی / طبیعت	ندارد

روابط میان نقشها (با تاکید بر روابط انسانی)	شاعر / دختران ترکمن دختران ترکمن / مرد (معشوق / همسر) دختران ترکمن / آبابی دختران ترکمن / کار و زندگی، خستگی (روز و شب) شاعر / شاعر سنتی دختران نجیب و با شرم و حیا / دختران معمولی دختران اهل تفکر ترکمن / دختران معمولی ترکمن زن اهل انتقام / مرد بوالهوس شعری غیر داستانی	شاعر با خواننده (سوم شخص) شاعر با خود شاعر با زندانیان دیگر مرد قاتل / دزد - زن مرد / نان آور مرد ستمگر / ستم‌ناپذیر و قیام‌کننده شاعر - زن شاعر / فلسفه زندگی شاعر / جرم، زندان شعری غیر داستانی	شاعر (عاشق) / معشوق معشوق / طبیعت معشوق / هویت عاشق / عاشقان جهان (درگذشتگان) شاعر / طبیعت شاعر / قصه، صدا شاعر / درد شعری غیر داستانی	شاعر با نازلی شاعر با خواننده بهار، ارغوان، شکوفه / زندگی بود / نبود نحسی / زندگی / مرگ خودخواسته خشم / دندان روی جگر گذاشتن سخن گفتن / سکوت مرگ / تخم گذاشتن جوجه مرگ شکستن زمستان / تولد بهار شعری غیر داستانی
نحوه بیان و فرانش (به مهمترین کلمات متن شعر اشاره شده که تغییر دهنده کیفیتی خاص باشد)	انتظار، امید. آرزو. (خطاب / توصیفی) آلاچیق. دشت، خلق تنگ. باد. (تشبیه / استعاره / توصیف) یال. اسب. رود. شعله. دود. (تشبیه / استعاره / خطاب / توصیف) شب. خستگی. سرشکستگی (توصیف) عشق. رقص. شرم. شب‌نم. افتادگی. رمه. (تشبیه / توصیف) زخم آبابی (پرسش) لب. پستان، بلوغ. بستر خشونت. بستر نومیدی. (پرسش) سلاح آبابی. انتقام (پرسش) ترغیب	چهار زندان. نقب. حجره. (توصیف / خبر) مرد. زنجیر. خبر / توصیف کشتن به دلیل نان. بهتان‌نیش قبر (خبر. توصیف) ایستادگی. کشتن رباخوار. دزدی (خبر. توصیف) من در زندان (توصیف. خبر پنهان) زنجیری. زنان (خبر. توصیف) کوهسار رویاها. گوش داشتن. علف بیابانی (کنایه و مجاز. مراقب بودن و گوش کردن) خبر. توصیف بند. بامداد. مردن (خبر. توصیف) جرم. زندان (خبر. توصیف)	اشک. لب‌خند. عشق. راز (خبر. توصیف) آن شب. (خبر. توصیف) قصه و نغمه و صدا و چیزهای دیگر نیستم (خبر و تفسیر) درد مشترک بودن (تفسیر) مرا فریاد کن (اقناعی) سخن گفتن درخت با جنگل / ستاره با کهکشان... (توصیف، خبر) من با تو سخن می‌گویم (توصیف خبر / اقناع به دلیل بندهای قبلی نام و دست و قلب... (خبر / توصیف) دریافتن ریشه / صحبت کردن با لب‌هات (خبر / توصیف / اقناع) خواندن در گورستان تاریک زیرا که (خبر / اقناع / تفسیر) به سان (تشبیه)	از تیرگی برآمدن مثل خورشید (تفسیر) سکوت مرغی است که تخم مرگ می‌گذارد (توصیف / تفسیر) ستاره بودن نازلی (توصیف) درخشیدن و رفتن (تفسیر) خورشید بودن نازلی در خون نشستن و رفتن (توصیف و تفسیر) بنفشه بودن نازلی مژده بهار دادن و شکستن زمستان (توصیف / تفسیر)

در جدول، نخست زمینه اصلی شعر و سپس زمینه‌های فرعی آن مورد بررسی قرار گرفته، از آنجا که تاثیر خواننده میتواند نقشهای دیگری هم به بافت شعر بدهد از ورود به زمینه‌های متعدد اجتناب شده است. زمینه اصلی شعر

«از زخم قلب آبائی» و کیفر، «مرگ نازلی» کاملاً سیاسی است، ولی زمینه شعر عشق عمومی، سیاسی نیست؛ از اینرو تمایز و تفاوت دو زمینه در لغزش بافت براحته نمایان است. در دو شعر نخست در زمینه سیاسی، شاعر به زمینه عشق و زندگی هم وارد میشود. اما با اینکه در عشق عمومی موضوع اصلی عشق است؛ با توجه به تجربیات سیاسی زندگی شخصی شاعر و نیز تجربیات خواننده در زمانه شاعر و تجربیات شخصیش، توجه به مسائل سیاسی نیز پررنگ است و وجوه هویت، طبیعت و مردگان آن سالها را میتوان با زمینه سیاسی نیز تعبیر و تفسیر کرد. همچنین در شعر مرگ نازلی، با اینکه تمام شعر در بافت سیاسی است اما مانند عشق عمومی به طبیعت متوسل شده است. یکی از زمینههای اصلی شعر شاملو حضور طبیعت است (پورنامداریان، ۱۳۹۴). از معروفترین لغزش و جابجاییهای بافت موقعیتی میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

سیاسی - اجتماعی به عاشقانه و برعکس

تداخل سیاسی و عاشقانه نوعی سبک خاص برای شاملو ایجاد کرده است. در شعر از زخم قلب آبایی در همان بند آغازین میان دختران دشت و زنانگیشان رابطه‌ای برقرار میکند.

دختران دشت/ دختران انتظار/... از زره جامه‌تان اگر بشکوفید/ باد دیوانه/ یال بلند اسب تمنا را/ آشفته کرد خواهد.../ دختران روز بی‌خسته‌گی دویدن/ شب سرشکسته‌گی/ درباغ راز و خلوت مرد کدام عشق/ در رقص راهبانه‌ی شکرانه‌ی کدام/ آتش‌زدای کام/ بازوان فواره‌ای‌تان را/ خواهید برفراشت؟... از زخم قلب آبایی/ در سینه کدام شما خون چکیده است؟/ (دفتر یکم، ۱۱۷-۱۱۶)

شاملو در یادداشتی تصریح میکند که در نیمه دهه ۲۰، در گرگان، آبایی دبیر ترکمن، برای ممانعت از اجرای نمایش‌نامه‌ای به دست عوامل شاه کشته شد و زمانی که این شعر را میسرود در آلاچیق ترکمنی، دختری را در اندیشه دور دیده بود (همان، ۱۰۶۰-۱۰۶۱). در این شعر زمینه و موضوع اصلی بافت سیاسی است. برای خواننده درون متن یعنی دختران دشت، از بافت زنانه (آغوش، بازوان، رقص، دویدن، تمنا، جامه) و طبیعت (دشت، باد، اسب، یال، فواره، آتش) برای چرخش استفاده میکند. از بافت زنانه برای موقعیت نزدیک به عشق (آشفته‌گی، تمنا، خلوت، عشق) و از بافت طبیعت برای مفهوم سیاسی یا اجتماعی مثل فمینیستی سود میجوید.

بافت شعر کیفر درباره زندانی با چندین در تو در تو و حجره‌های متعدد است و هر زندانی قاتل یا مجرم و دلیل قتلشان متفاوت است؛ یکی زنش را به دلیل بهتان کشته، یکی نان‌فروش سخت دندانگردی را، دیگری رباخواری را و یکی هم به اتهام نبش قبر و جستجوی دندان طلا در زندان است. «در اینجا چار زندان است/ به هر زندان دو چندان نقب، در هر نقب چندین حجره، در هر حجره، چندین مرد در زنجیر» (۳۳۳ - ۳۳۴)

این بند با حالتی ترجیع‌وار دوبار تکرار میشود. پس از این تکرار شعر از بافت اجتماعی - سیاسی خود دور میشود و وارد فضای عاشقانه میگردد. «من اما در زنان چیزی نمی‌یابم گر آن همزاد را روزی نیابم ناگهان خاموش» (همان)

سیاسی - اجتماعی، عاشقانه به فلسفی

این بخش از تداخل نوعی کارکرد تداخلها را نیز سبب میشود. بعبارتی شاعر تلاش میکند در ورای همه این تداخلها و تبدیلهای، تغییری در اندیشه و ذهن مخاطب نیز ایجاد کرده، آن را به سمت و سوی اندیشه‌ورزی سوق دهد. هر چند حضور برخی فلسفه‌ورزیها برای مخاطب به دلیل لحن و سبک بیانی خاص، دشوار یا دیریاب باشد. به عنوان

^۱. کلیه ارجاعات اشعار به مجموعه اشعار شاملو، دفتر یکم از انتشارات آگاه است.

مثال در پایان شعر قبلی، باز دست به تغییر بافت میزند و از تنهاییها و دقت در طبیعت اطرافش به نیستی و پوچی میرسد و زنده ماندن و زندگی کردن در میان این تباهیها را نوعی جرم میداند که تغییر بافت از عاشقانه به سمت و سوی فلسفی است.

«من اما در دل کهسار رویاهای خود جز انعکاس سر آهنگ صبور این علف‌ها بیابانی که می‌ریند و می‌پوسند و می‌خشکند و می‌ریزند با چیزی ندارم گوش/ مرا گر خود نبود این بند، شاید بامدادی همچو یادی دور و لغزان می‌گذشتم از تراز خاک سرد پست.../ جرم این است/ جرم این است» (همان)

بافت شعر از زخم قلب آبابی، سیاسی- اجتماعی است؛ دخترانی که وظایف اجتماعی خاصی به دوش میکشند، در عین حال فرصتی برای عشق‌ورزی ندارند.

«شب‌های نهم باران- که نیست کار- / اکنون کدام یک ز شما/ بیدار می‌مانید/ در بستر خشونت نومیدی/ در بستر فشرده‌ی دل تنگی/ در بستر تفکر پر درد رازتان/ تا یاد آن که - خشم و جسارت بود- / بدرخشاند/ تا دیرگاه، شعله‌ی آتش/ در چشم بازتان» (ص ۱۱۸) بافت موقعیت چشم باز، تفکر پر درد در کنار آتش و درخشش آن که مخاطب حقیقی شاعر را به یاد می‌آورد که با خواننده درون متن و مخاطب بیرونی یعنی همه زنان نوعی همدلی و همراهی برای تفکر در زیست تازه‌شان به ارمغان می‌آورد.

شگردهای تغییر، تداخل و لغزش بافت در شعر شاملو

شگردهایی که شاملو برای ایجاد این تغییر در نظر دارد به دو دسته متنی و فرامتنی میتوان تقسیم کرد. از آن جمله می‌توان به ایجاد پاساژهای متنی اشاره کرد؛ یعنی شاعر با کمک عناصر فرهنگی و اسطوره‌ای، دینی و مذهبی تلاش میکند زمینه سخن را تغییر دهد. در برخی جاها با کمک ابزارهای زبانی و بیانی، بلاغت و حتی دستور زبان سعی میکند بافت متن را جابجا کند. از مورد دیگر باید به تغییر لحن عامیانه یا کودکانه اشاره کرد. بر اساس زبان‌شناسی نقشگرا این سبک از سویی موجب تقویت و همدلی با مخاطبان بیشتری میشود و جابجایی زمینه متن به شاعر این فرصت را میدهد تا به شعرش ابعاد پیچیده‌تری بدهد و روایتهای مختلفی را برتاباند و بازتاب دهد. این لغزشها سبب می‌شود نه فقط مخاطب زمان شاعر که با بافت متن ارتباط نزدیکتری میتواند برقرار کند، بلکه مخاطبان دیگری در زمانهای بیشتری و موقعیتهای متفاوت و متعددی معناسازی کنند و امکان گفتگوی همه اعصار را فراهم آورد. در زیر به شگردهای شاملو برای تغییر بافت اشاره میشود.

متنی

همانطور که پیش از این بیان شد اگرچه بافت موقعیتی به فرامتن می‌پردازد اما زمین اصلی آن به متن بازمیگردد. از ابزارهای مختلف مانند پاساژهای متنی، تداعیها، عناصر زبانی و بیانی، گفتگو و زاویه دید را میتوان نام برد.

• استفاده از پاساژهای متنی و تداعیهای آزاد

منظور از پاساژ^۱ نوعی روایت ساختارمند و زمانمند است که معمولاً به قطعه‌ای از متن گفته میشود که از نظر معنایی و ساختاری دارای استقلال نسبی از متن اصلی است. در هر پاساژ نوعی فاصله‌گذاری با متن اصلی از طریق تغییر صحنه، زمان، تصویر و راوی و... قابل بررسی است و در هر یک میتوان تمایزات دیگری را نیز بررسی کرد مثلاً فقط به لحاظ زمانی مدت، بسامد، دیرش و صدا قابل اندازه‌گیری است (ژنت، ۱۹۸۸). این پاساژها میتواند برخاسته از مسائل فرهنگی، دینی، اسطوره‌ای و فولکلور و امثالهم باشد مانند این بخش از شعر دریغا انسان:

^۱. Passage

زمین خدا هموار است و / عشق / بی‌فراز و نشیب، چرا که جهنم موعود / آغاز گشته است / نخستین بوسه‌های ما، بگذار یادبود آن بوسه‌ها باد / که یاران / با دهان سُرخ زخم‌های خویش / بر زمین ناسپاس نهادند. / عشق تو مرا تسلا می‌دهد. نیز وحشتی / از آن که این رَمه آن ارج نمی‌داشت که من / تو را ناشناخته بمیرم (آیدا، درخت خنجر و خاطره)

چرخش در این بافت به دلیل پاساژهای متعدد اسطوره‌ای، دینی و مذهبی، سیاسی و حتی زبانی رخ داده است. با اینحال تا پایان شاعر یکسره بر طبل عشق می‌کوبد. شگرد شاعر آن است که از تمام ظرفیت‌های فرهنگی زمانه وطن، آزادی استفاده میکند تا عشق را فریاد بزند. از این رو تغییر بافت موقعیتی بطور گسترده در آن رخ می‌دهد و نوعی فرانش بینافردی را ایفا میکند و خواننده میان مفهوم سیاسی عشق به وطن و سرزمین، به عشق در مفهوم سنتی و کلیشه‌ای آن باز می‌گردد؛ سپس به عشق، شناخت و معرفتش به گستردگی هستی مینجامد. از مختصات فرهنگی و قرآنی، زمین خدا هموار است استفاده میکند تا به عشق برسد که همان شروع جهنم موعود است. شاعر جهنم را نوعی قیامت پنداشته و برای آن آغازی متصور شده و گرنه در بافت دینی جهنم همیشه وجود دارد. این جهنم ذهنی شاعر است که با وجود عشق ایجاد شده. در همینجا وجوه سنتی، کلیشه، ملموس و محسوس دیگر عشق را جلوی چشم ما میگذارد؛ مانند بوسه، هنگام بوسه‌باران از یاران یاد میکند که گویی در جنگی با زمین ناسپاس هستند. ولی شاعر از عشق نمیگذرد زیرا عشق تسلا دهنده و وحشتناک است. در نهایت هم به مردن بدون عشق - بافت فلسفی - اشاره میکند.

• چرخش بیانی و زبانی

«زیباترین حرفات را بگو / شکنجه‌ی پنهان سکوتات را آشکاره کن / و هراس مدار از آن که بگویند/ترانه بی‌هوده می‌خوانید / چرا که ترانه‌ی ما / ترانه‌ی بی‌هوده‌گی نیست / چرا که عشق / حرفی بی‌هوده نیست. / حتا بگذار آفتاب نیز برنیاید / به خاطر فردای ما / اگر / بر ماش منی است» (از شعر رود)

این شعر دربارهٔ عشق است؛ واژگانی مانند شکنجه، ترانه، آفتاب، فردا، حماسه که بطور گسترده در میان شاعران هم دوره شاملو برای مقاصد سیاسی استفاده شده است. همچنین تاکید شاعر آن است که عشق مفهومی بی‌هوده نیست. حتی جمله بخاطر فردای ما نیز می‌تواند جمله‌ای با کارکرد سیاسی باشد اما شاعر در جای دیگر آن را برای عشق بکار برده است. «چرا که عشق / خود فرداست / خود همیشه است» (از هوای تازه) خطاب به شن‌چو در سرود بزرگ میگوید:

«در کشت‌زار خواهی جنگید / یا زیر بام‌های سفالین / که گوشه‌هاش / مانند چشم تازه عروس‌ات مورب است؟ / یا زیر آفتاب درخشان؟ / یا صبحدم که مرغک باران / بر شاخ دارچین کهنسال / فریاد می‌زند؟» (ص ۷۸)

از نوعروس و درخت و آفتاب سخن میگوید که فضای عاشقانه بسازد؛ ولی زمینه و بستر شعر کاملاً سیاسی، وطنی، انسانی و در نكوهش جنگ است. در شعر عشق عمومی نیز این تغییر زبانی دیده میشود.

«اشک رازی است / لیخند رازی است / عشق رازی است / ... من درد مشترکم / مرا فریاد کن / درخت با جنگل سخن می‌گوید / علف با صحرا / ستاره با کهکشان / و من با تو سخن می‌گویم / ... در خلوت روشن به تو گریسته‌ام / برای خاطر زنده‌گان / و در گورستان تاریک با تو خوانده‌ام / زیباترین سرودها را / زیرا که مرده‌گان این سال / عاشق‌ترین زنده‌گان بودند»

در این شعر عاشقانه شاعر با معشوق به گورستان میرود. گورستان از فضاهایی است که شاعر را به یاد کشته‌شدگان میندازد، همانانی که برای عقیده و آرمان جنگیده‌اند. برای همین تاکید میکند که مردگان این سال عاشق‌ترین

زندگان بودند. آنها آدم‌های معمولی نبودند. با عشق‌های معمولی بلکه برای هدفی والا مرده‌اند. از آنجا که بخش عمده‌ای از سوگ سرودهای شاملو در عزای شهیدان وطن است؛ از این رو در نظر خواننده گورستان یادآور همان افراد است.

• تغییر لحن

یکی از شگردهای شاملو استفاده از زبان عامیانه یا کودکانه است. در شعرهای «قصه مردی که لب نداشت»، «پریا»، «بارون میاد جر جر، پشت خونه هاجر» شعری اجتماعی و سیاسی می‌خوانیم که دالهای دیگری مانند تضاد با فرهنگ عامیانه مسلط را میتوان دید. در بخشی از شعر بارون میاد جر جر می‌خوانیم:

«بارون میاد جر جر، رو خونه‌های بی‌در، چهارتا مرد بیدار، نشسته کنج دیفار/دیفار کنده‌کاری/ نه فرش و نه بخاری/ مردا سلام علیکم/ زهره خانوم شده گم/ نه لک‌لک اونو دیده/ نه هاجر ورپریده/ اگه دیگه برنگرده/ اوهو اهو چه درده/ بارون ریشه ریشه/ شب دیگه صب نمیشه/ بچه خسته مونده/ چیزی به صب نمونده/ غصه نخور دیونه/ کی دیده شب بمونه/ زهره تابان اینجاس/ تو گره نشست مرداس/ وقتی که مردا پاشن/ ابرا ز هم می‌پاشن/»

شخصیت اصلی داستان کودکی است که به دنبال زهره است (نماد طرب و شادی، راهنما و راهبر، نام زنی). او نخست، پیش لک‌لک می‌رود که بچه‌اش تب دارد، سپس پیش هاجر می‌رود که لحظه عروس‌پیش است و منتظر داماد است و بعد پیش چهارتا مرد می‌رود و پاسخ قاطعی از مردانی که در گوشه‌ای نشسته‌اند دریافت می‌کند. اما در پایان خروس هم باید بخواند تا خورشید همه‌جا را روشن کند با اینحال موقعیت را عوض می‌کند و باز با کمک بیت ترجیع اول که «گم شده راه بندر» خواننده با یک سوال بی‌جواب می‌ماند و نمی‌داند که زهره پیدا شده یا نه؟

زبان و لحن کودکانه و جستجوگری روایی و تغییر اشخاص داستان به‌مراه تغییر بافت موقعیت از شگردهای دیگر شاملوست که در شعر «قصه مردی که لب نداشت» هم دیده می‌شود. در آنجا نیز حسینی نقلی به عنوان شخصیت اصلی داستان که لب برای خندیدن ندارد از ناودان، چاه، لب حوض و دریا می‌خواهد لیسان را به او امانت بدهند که موفق نمی‌شود. در آنجا نیز تغییر موقعیت با کمک تغییر لحن برای هر کدام از شخصیت‌های قصه صورت می‌گیرد، اما در تمام این موارد برخلاف اشعار غیرروایی دال اصلی قصه تغییر نمی‌یابد.

• فضاسازی روایی و تمثیلی

«به شب مهتاب/ ماه میاد تو خواب/ منو می‌بره/ از توی زندون/ مٹ شب‌پره/ با خودش بیرون/ می‌بره اونجا/ که شب سیاه/ تا دم سحر شهیدای شهر/ با فانوس خون/ جار می‌کشن/ تو خیابونا/ سر میدونا/ عمو یادگار/ مرد کینه‌دار/ مستی یا هشیار؟/ خوابی یا بیدار؟»

همانطور که ملاحظه می‌شود خط کشی‌ها نشان می‌دهد تقریباً تمام این بند بر تغییر موقعیت استوار است. زمینه شعر درباره شب و آرزوهای شاعر است که در مقام تمثیل -هم از نظر خواننده و شاعر- ظلمت و استبداد و عمو یادگار منجی است، در حالی که در آغاز، بافت شعر درباره پری‌ای بود که موهایش را می‌خواست شانه کند. در اینجا هم از بافت عاشقانه و یا قصه به بافت سیاسی لغزیده است و شاید از همینرو در شعر «قصه پریا» حضور پری دلالت سیاسی دارد.

• گفتگو و زاویه دید

گفتگو و شکلهای مختلف آن فرصتی برای تغییر بافت برای شاعر فراهم می‌آورد. با کمک داستانی‌پردازی هم اشخاص متعدد در متن نمایانده شده که با یکدیگر در حال گفتگو هستند و هم شاعر با مخاطب در حال گفتگوست. شاعر با تعریض یا کنایه مخاطب قرار دادن خواننده، به حال و هوا و اتمسفر و بافت دیگر سوق دهد. جهانهای مختلفی

در متن برانگیخته میکند. گفتگو با خود، با مخاطب، با اشخاص درون متن هر کدام سبب تغییر بافت میشود. آنچه درباره گفتگوها قابل ذکر است این که گفتگوهای متن، هدف غایی تغییر بافت را نشان نمیدهد زیرا در تداخل بافتی نمیتوان گفتگوی چندگانه ایجاد کرد و انسجام اثر را نادیده گرفت؛ اما شاملو در قصه پریا یا بارون میاد جرجر، قصه مردی که لب نداشت با خلق شخصیتهای متعدد گفتگوهای کوتاه ولی چندوجهی، زمینه برای ظهور بافتهای متعدد ایجاد کرده است. در اصل این گفتگوها کارکردهای اقناعی و جنبه تعلیمی آن را هموار میسازد. این گفتگوهای درون متنی میتواند به هر شکل ممکن مانند سوالی، خبری، عاطفی صورت پذیرد. به نمونههای گفتگو در مرگ نازلی، دختران دشت پیش از این اشاره شده است.

سبکهای تغییر و تداخل بافتی در اشعار شاملو

فتوحی مینویسد: «انتقال کلام از یک بافت موقعیتی به بافت دیگر موجب فراهنجاری در کلام میشود. این ناهنجاری ناشی از عدم هماهنگی عوامل گفتمان ساز در بافتهای کلام است؛ به این معنی که وقتی سخنی که در بافت گفتاری اجرا شده به نگارش درآید، بسیاری از عوامل کلامی و غیرکلامی مجلس شفاهی قابل انتقال به متن نوشتار نیست» (فتوحی، ۱۳۹۱، ۴۵). یعنی بافت موقعیتی میتواند سبکساز باشد. وی در جای دیگر، اصطلاح بلاغت سنتی «اقتضای حال» را معادل زمینه، بافت، بافت موقعیتی و سیاق میداند (همان، ۵۷). هر نوع پژوهشی در بافت خود به خود به گفتمان ختم میشود و گفتمان متشکل از عناصر متنی یا فرامتنی است. از بارزترین مشخصههای گفتمان این است که تعداد عناصر دخیل در معنا متعدد و چندوجهی است و علاوه بر نویسنده و متن، خواننده نیز بر آن تاثیر بگذارد. وردانک معتقد است معنای متن تنها در صورتی ایجاد میشود که در بافت خاصی بکار رود؛ همچنین به این دلیل که خواننده متن را بازسازی میکند این احتمال وجود دارد که وی متن را با گفتمانی متفاوت از نویسنده در نظر بگیرد (وردانک، ۱۳۹۷، ۴۴-۴۵). اگرچه به نظر ژنت موضوع اصالت بخشی به ابداعات فردی یا اهمیت قابلیت های بالقوه زبان در سبک شناسی اهمیت ندارد، بلکه تلاش برای مفهوم سازی در عرصه سبک اهمیت دارد (ژنت، ۱۳۹۲، ۱۷۴) به همین دلیل او معتقد است در خارج از بافت هیچ سبکی بر سبک دیگر برتری ندارد (همان، ۱۸۸)، با این حال در دسته بندی سبک بافتهای، سه سبک متفاوت بررسی شده است؛

۱. سبک توصیفی؛ صرفاً به بیان و توصیف محتوا و موضوع متن میپردازد.

۲. سبک تفسیری- نمایشی (توضیحی)؛ متن خود را تحلیل میکند.

۳. سبک اقناعی؛ (هلیدی: ۱۹۸۵)

به همان اندازه که تداخل بافتهای صورت میگیرد تداخل سبکها نیز در متن نیز اتفاق میفتد. از آنجا که بیشترین درونمایه و بافت موقعیتی اشعار شاملو سیاسی است، توصیف و روایت در آن زیاد است و هم اقناع مخاطب برای ایجاد انگیزه و برانگیختن جهت مبارزه. اما معمولاً این اقناع بصورت غیرمستقیم صورت میگیرد. تفسیر و بازتفسیر متن روایی، توصیف وضعیت موجود و مقایسه آن به نمونه آرمانی و سرنمون اسطوره ای شکل جدیدی از ایجاد رابطه است که با تداخل بافتهای موقعیتی منجر به خودشکوفایی مخاطب خواهد شد. یعنی مخاطب از آنجایی که انتظارش را ندارد از بافتی به بافتی دیگر وارد میشود و به نظر میرسد در عین حال که قصد شاعر همصدایی و همنوایی با مخاطب نیست ولی با کمک تداخل بافتی چنین اتفاقی خواهد افتاد. به عنوان مثال در شعر کیفر در بند نخست در حال توصیف است، در بند دوم که توصیف از سرگذشت خودش است، که در آن روایت جدیدی خلق میکند و رابطه ای مبهم از داستان زندگیش را جلوی چشم مخاطب میگذارد و در بند آخر تفسیر مآل دارد.

در سبک اقناعی عموماً سوئے تعلیمی بیشتر است و اگرچه شاملو قصد تأثیرگذاری بر مخاطب را دارد، اما از صراحت بیان برای تعلیم استفاده نکرده است.

نتیجه‌گیری

بافت و انواع آن (متنی و فرامتنی) یکی از اصطلاحات تحلیل گفتمان است که در این مقاله در اشعار شاملو مورد بررسی قرار گرفته است. این مقاله در صدد اثبات این موضوع است که در برخی شعرهای حتی بظاهر تکساخته شاملو تداخل و لغزش بافت صورت می‌گیرد و شاعر اگرچه قصد ارائه محتوا در یک بعد مثلاً سیاسی و یا عاشقانه را دارد اما جابجایی و انتقال بافتهای وضعیتی آن را به بافتهای دیگر میکشاند. در برخی شعرها نیز چند نوع بافت وضعی حاکم است؛ یعنی موقعیت سخن در طول یک شعر ثابت نمی‌ماند بلکه در حال رفت و برگشت، لغزش به بافتهای دیگر مانند کودکانه، سیاسی- اجتماعی، عاشقانه، فلسفی، روان‌شناسانه است. در این تحقیق

۱. لغزش و تداخل بافتها در شعر شاملو اثبات شده است. وی حتی در بافت سیاسی به بافتهای عاشقانه، فلسفی توجه کرده است و برعکس.

۲. شیوههای لغزش و تداخل متنی و غیرمتنی است. با کمک عناصر متنی مانند پاساژهای متنی، تغییر لحن، گفتگو، داستانپردازی، به آن دست یافته است. اهمیت این تغییرات و جابجاییها در آن است که در هر نوع تداخل بافتی‌ای، کارکرد و جایگاه مخاطب را نیز تغییر میدهد؛ درنتیجه زمانی که چرخش بافتها صورت می‌گیرد، حال و هوای مخاطب و گیرنده پیام و دال مرکزی نیز تغییر خواهد کرد.

۳. اهمیت تغییر بافتها از اینروست که همزمانی دریافتهای متعدد و خوانشهای متفاوت، چندگانگی مخاطب و تغییر مداوم آن را نیز در پی خواهد داشت. اگرچه بافت موقعیتی باید با جهان خارج از متن مرتبط باشد این تداخل سبب میشود شعر شاملو وابسته به متن هم باشد، ولی با توجه به پیش‌آگاهی مخاطب و دانش سیاسی- اجتماعی در دریافت برخی اشعار، وابسته به مخاطب نیز خواهد بود؛ یعنی امکان دریافتهای متعدد یا پرش بافتی برای مخاطبی دست خواهد داد که آگاهی در زمینه و بافت شعری داشته باشد. همچنین ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است اگرچه بازگشت بسیاری از تغییرات به بافت سیاسی- اجتماعی نشاندهنده ارزشگذاری شاعر و یا مخاطب زمان شاعر به این نوع بافت است، اما نشان میدهد که با هر زمینه‌ای میتوان به بافت سیاسی دست یافت، با اینحال از این منظر که بافت سیاسی نیز امکان ورود به بافتهای دیگر مانند عاشقانه یا فلسفی و کودکانه را برای شاعر فراهم میکند هم گویای چندوجهی بودن خاستگاه شعری و بسط دامنه آن در ذهن شاعر است. همچنین این سبک با خود نوعی آشنادایی بافتی به همراه خواهد داشت که بار معنایی چندوجهی برای شعر ایجاد میکند.

۴. تغییر و تداخل بافتی بر جایگاه ایجاد بافت فرامتنی نیز اثرگذار است. در اغلب تداخلها، به نظر میرسد تغییر مورد نظر شاعر در انتهای تداخلها بیان شده، به عنوان مثال چنانچه شاعر قصد تغییر از عاشقانه به فلسفی را داشته، آخرین تغییر بافتی در شعر، فلسفی خواهد بود و به این ترتیب بافت فرامتنی شعر در همینجا قابل تشخیص است.

۵. میزان و حدود تغییرات و تداخلهای بافتی متغیر است؛ در برخی از اشعار تنها یک بند بویژه بند پایانی به تغییر بافتی اختصاص داده شده و در برخی بیشتر از یک بند طوری که شعر را به چندپاره و روایت تبدیل کرده است. همچنین شاعر پس از تغییر به بافت دوم و یا سوم، به بافتهای اولیه شعر بازگشت نکرده و عموماً سخن پایانی شعر در همان بافت نهایی برجسته‌نمایی شده است.

۶. تداخل بافت موقعیتی سبب تعدد فرانشهای اندیشگانی و بینافردی شده است.

۷. کارکرد این تداخلها سبب پرهیز از تعمیم‌پذیری نگرش خوانندگان، خودکارشدگی فهم و معنا خواهد شد و سبب مشارکت در ساخت معناهای چندوجهی و در نهایت توجه به سفیدخوانی میشود.

تشکر و قدردانی

نویسنده مراتب تشکر و قدردانی خود را از اعضای هیأت تحریریه نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام مینماید.

تعارض منافع

نویسنده این مقاله گواهی مینماید که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی خود نویسنده است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. در این تحقیق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی رعایت شده و هیچ تخلف و تقلبی در آن صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بر عهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES:

- Aghagolzadeh, F. (2011). *Critical Discourse Analysis* (2nd ed.). Tehran: Elmi va Farhangi Publishing.
- Ahmadi, B. (2021). *Structure and Interpretation of Text* (28th ed.). Tehran: Markaz Publishing.
- Baraheni, R. (1979). *Gold in Copper* (3rd ed.). Tehran: Zaryab Publishing.
- Chandler, Daniel, (2007), *Semiotics, the basics*. London: Routledge
- Faqiri et al. (2024) Study and comparison of tense and mood types in Saadi's Golestan and Khold Majd Khafi's Roeze with a role-oriented and critical stylistic approach. *Monthly Journal of Stylistics of Poetry and Prose (Bahare Adab)* . 17. (98), pp. 159-176
- Fairclough, N. (2000). *Critical Discourse Analysis* (Group of Translators). Tehran: Markaz Publishing. (Original work published in 1995)
- Fotouhi, M. (2012). *Stylistics: Theories, Approaches, and Methods*. Tehran: Sokhan Publishing.
- Fowler, R. (2017). *Linguistics and the Novel* (M. Ghaffari, Trans.). Tehran: Ney Publishing.
- Genette, G. (2013). *Imagination and Expression (Linguistic Criticism)* (A. Asadollahi Tajaraq, Trans.). Tehran: Sokhan Publishing. (Original work published in French)
- Genette, Gerard (1988) *narrative Discourse*, translated by Jane E. Lewin. Cornell university press, Ithaka. New York
- Hall, S. (2007). *Discourse and Power* (M. Mottahhed, Trans.). Tehran: Agah Publishing.
- Halliday, M.A & ruqaiye Hassan (1985) *language, context and text: aspect of language in a social semiotic perspective*, Oxford University Press.
- Macdonell, D. (1998). *Introduction to Discourse Theories until the 1960s* (H. Nozari, Trans.). *Discourse: Socio-Political Quarterly*, 1(2), 25–85.
- Mirzamohammadnia, F., et al. (2019). *Critical stylistic analysis of Shamlou's poetry: Rhetorical and pragmatic layers*. *Persian Language and Literature (Tabriz)*, 72(240), 335–356.

- Mortazavi, S. J., & Saadat Shoja', M. (2023). Text-context analysis in the imagery of Poem No. 23 by Ahmad Shamlou using Norman Fairclough's method. *Kavoshnameh*, 24(59), 49-84.
- Nørgaard, N., et al. (2012). *Key Terms in Stylistics* (M. Farahmandfar & A. Rezaei Jamkarani, Trans.). Tehran: Morvarid Publishing.
- Pournamdarian, T. (2015). *Journey in the Mist* (5th ed.). Tehran: Sokhan Publishing.
- Safaei, A., & Alizadeh Joobani, A. (2014). Discourse analysis and humorous discourse in Shamlou's "The Last Word." *Persian Language and Literature*, 72(77), 133-154.
- Sajoodi, F. (2013). *Applied Semiotics*. Tehran: Elm Publishing.
- Shamlou, A. (2019). *Collected Works of Ahmad Shamlou, Volume 1: Poems 1944-1999*. Tehran: Negah Publishing.
- van Dijk, T. A. (2003). *Studies in Discourse Analysis: From Text Grammar to Critical Discourse Studies* (P. Izadi, Trans.). Tehran: Center for Media Studies and Planning.
- Verdonk, P. (2018). *Stylistics: The Basics* (2nd ed., M. Ghaffari, Trans.). Tehran: Ney Publishing.
- Yarmohammadi, L. (2000). Appropriateness of Quantitative and Qualitative Methods in Discourse Analysis. In *The Fifth Conference on Linguistics*, Allameh Tabataba'i University (pp. 180-192).
- Zamani, M., et al. (2015). The effect of critical thinking and situational context on discourse perception with the moderating role of personality traits. *Social Cognition*, 4(4), 76-88.
- Zarghani, M. (2012). *A Perspective on Contemporary Iranian Poetry*. Tehran: Sales Publishing.

فهرست منابع فارسی

- احمدی، بابک (۱۴۰۰). ساختار و تاویل متن، چ بیست و هشتم. تهران: مرکز.
- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی، چ دوم، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- براهنی، رضا (۱۳۵۸). طلا در مس، چاپ سوم، تهران: زریاب.
- پورنامداریان، تقی (۱۳۹۴). سفر در مه، چاپ پنجم، تهران: سخن.
- زرقانی، مهدی (۱۳۹۱). چشم‌انداز شعر معاصر ایران، تهران: ثالث.
- زمانی، مریم و دیگران (۱۳۹۴). تاثیر تفکر انتقادی و بافت موقعیتی در ادراک گفتمان با نقش تعدیل‌کنندگی خصوصیات شخصیت، شناخت اجتماعی، سال چهارم، ش ۴، پیاپی ۸، صص ۷۶-۸۸.
- ژنت، ژرار (۱۳۹۲). تخیل و بیان، (نقد زبانشناسی) ترجمه دکتر الله شکر اسداللهی. تهران: سخن.
- سجودی، فرزانه (۱۳۹۲). نشانه‌شناسی کاربردی، تهران: علم.
- شاملو، احمد (۱۳۹۸). مجموعه آثار احمد شاملو، (دفتر یکم؛ شعرهای ۱۳۲۳-۱۳۷۸) تهران: نگاه.
- صفایی، علی، علیزاده جوبنی، علی (۱۳۹۳). تحلیل گفتمان و گفتمان طنز در شعر حرف آخر شاملو، زبان و ادبیات فارسی سال ۷۲، شماره ۷۷، صص ۱۳۳-۱۵۴.
- فالور، راجر (۱۳۹۶). زبانشناسی و رمان، ترجمه محمد غفاری، تهران: نشر نی.
- فاندایک، تون (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

- فتوحی، محمود (۱۳۹۱) سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روشها، تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹) تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه مجموعه مترجمان. تهران: مرکز.
- فقیری و دیگران (۱۴۰۳) بررسی و مقایسه انواع زمان و وجه در گلستان سعدی و روضه خلد مجد خوافی با رویکرد سبک‌شناسی نقشگرا و انتقادی. سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی بهار ادب، دوره ۱۷، شماره پیاپی ۹۸، صص ۱۵۹-۱۷۶.
- مرتضایی، سید جواد، سعادت‌شجاع، مرادعلی (۱۴۰۲) تحلیل متن- بافت در تصاویر شعر ۲۳ از احمد شاملو به روش نورمن فرکلاف، کاوش‌نامه، سال بیست و چهارم، ش ۵۹، صص ۴۹-۸۴.
- مک دائل، دایان (۱۳۷۷) مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان تا پایان ۱۹۶۰، ترجمه حسینعلی نودری. فصلنامه سیاسی اجتماعی گفتمان، سال اول، شماره ۲، صص ۸۵-۲۵.
- میرزاحمدنیا، فریبا، و دیگران (۱۳۹۸) سبک‌شناسی انتقادی شعر شاملو، (بررسی لایه‌های بلاغی و کاربردشناسی)، نشریه زبان و ادبیات فارسی تبریز، سال ۷۲، ش ۲۴۰، صص ۳۳۵-۳۵۶.
- نورگارد، نینا و دیگران (۱۳۹۱) فرهنگ سبک‌شناسی، مترجمان، مسعود فرهمندفر و احمدرضایی جمکرانی، تهران: مروارید.
- هال، استوارت (۱۳۸۶) گفتمان و قدرت. ترجمه محمود متحد. تهران: آگاه.
- وردانک، پیتر (۱۳۹۷) مبانی سبک‌شناسی، ترجمه محمد غفاری، ویراست دوم، تهران: نشر نی.
- یارمحمدی، لطفاله، و (۱۳۷۹) نگین خاتم، مجموعه مقالات پنجمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تناسب کاربرد روشهای کمی و کیفی در تحلیل گفتمانها، صص ۱۸۰-۱۹۲.
- Chendler, Daniel, 2007, Semiotics, the basics. London: Routledge
- Genette, Gerard (1988) narrative Discourse, translated by Jane E. Lewin. Cornell university press, Ithaka. New York
- Halliday, M.A & ruqaiye Hassan (1985) language, context and text: aspect of language in a social semiotic perspective, Oxford University Press.

معرفی نویسنده

بهاره فضلی درزی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

(Email: Fazli@cfu.ac.ir)

(ORCID: [0000-0002-7473-6761](https://orcid.org/0000-0002-7473-6761))

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the author

Bahareh Fazli Darzi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farhangian University, Tehran, Iran.

(Email: Fazli@cfu.ac.ir)

(ORCID: [0000-0002-7473-6761](https://orcid.org/0000-0002-7473-6761))